

امام خوب و مهربونم

دوستای من، بچه های عزیز قبول دارید که همه می گن امامها خیلی خوب بودند .خیلی مهربون بودند .خیلی با تقوا و متواضع بودند



دوستای من، بچه های عزیز قبول دارید که همه می گن امامها خیلی خوب بودند .خیلی مهربون بودند .خیلی با تقوا و متواضع بودند اما کسی نمی گه مگه چچوری رفتار می کردن که خوب بودند! بنا به چه مدرک و سندی مهربون بودند. چکار می کردن که اینهمه مردم دوستشون داشتند و چرا حالا ما هم باید دوستشون داشته باشیم

حقیقت اینه که ما تا ندونیم اخلاق و رفتار ائمه اطهار علیهم السلام چه جوریه بوده نمی تونیم از اون بزرگواران چیزی یاد بگیریم. به همین جهت بهترین کار اینه که داستانهای زندگانی ائمه رو بخونیم .باید زمان و موقعیت زندگیشون رو در نظر بگیریم و درباره کردار و گفتارشون فکر کنیم.

مثلا راجع به زندگی امام رضا فکر کنید .امام رضا علیه السلام کسی بود که بین مردم شهرت و محبوبیت زیادی داشت .یه روز توی عید فطر، مامون از امام رضا خواست نماز عید رو برای مردم بخونه . وقتی مردم فهمیدند امام رضا می خواد نماز عید بخونه ،با پای برهنه و چشمهای پر از اشک دنبال امام می دویدند.انقدر جمعیت جمع شد و به حدی شلوغ شد که حتی مامورای مامون هم که قرار بود مواظب امام باشند، جو زده شدند و پوتین های نظامی شون رو در آوردند و با پای پیاده به جمعیت ملحق شدند. کار به جایی رسید که مامون ترسید امام رضا با این همه طرفدار علیه حکومت شورش کند به خاطر همین قبل از خوندن نماز امام رو به خونه برگردوندند.

از طرفی امام رضا به عنوان ولیعهد مامون که پادشاه زمان بود معرفی شده بود.ولیعهد یعنی دومین مقام دولتی در کشور . به همین خاطر می تونست بهترین زندگی رو برای خودش درست کنه . اما زندگی امام رضا بسیار ساده و معمولی بود. هیچ وقت مقام و محبوبیت ، اخلاق امام رضا رو خراب نکرد.

مردم عادی و فقیر زمان امام رضا، توی خونه هاشون حمام نداشتند و از حمامهای عمومی شهر استفاده می کردند .امام رضا هم مثل بقیه مردم توی خونشون حمام نداشت و از حمام عمومی استفاده می کرد .یه روز که وارد حمام شد مردی مشغول شستشوی خودش بود .مرد که امام رضا رو نمی شناخت کیسه ای که تو دستش بود رو به طرف امام رضا گرفت و گفت: می شه پشت من رو کیسه بکشید؟

امام رضا بی معطلی کیسه رو از دستش گرفت و با صبر و حوصله مشغول کیسه کشیدن به پشت مرد شد . در همین وقت افراد دیگری وارد حمام شدند و به امام رضا گفتند: السلام علیک یا بن رسول الله

امام هم جواب سلام آنها را داد . وقتی مرد غریبه متوجه شد که از چه کسی تقاضا کرده پشت او را کیسه بزند، از خجالت بی قرار شد و می خواست کیسه را از امام بگیرد .اما امام از او دلجویی کرد و او را برادر خطاب کرد و طوری حرف زد که مرد دوباره احساس راحتی و صمیمیت کرد.

بچه های عزیز شما با این داستان تا چه اندازه متواضع و مهربانی امام رو درک می کنید؟ اگر شما یه روز شهرت جهانی پیدا کنید ،و امکان استفاده از ثروت های کلان در اختیارتون باشه ،می تونید اینهمه متواضع و مهربون رفتار کنید ؟آدمهای ثروتمند و مشهور زمان ما چقدر می تونن مهربون و متواضع باشند؟ وقتی به این چیزها خوب فکر کنیم از ته دل خواهیم گفت :امام خوب و مهربونم فدایت شوم.